	اول اصلاح اقتصادى		سال اول
۲۹ ديم الاول ۲۳۴۲ (۹) أوا.بر ۱۹۲۳		an she ta ta ka a she ta ta she sanan ta she	بجمه 17 عقرب
امره تلفون ۲۹۹		and the second	ماحب امتياز و مدير ته
معلم فس معلمه المنابية المعلمة		سرای کنر ارسال نمیشود	این روز نسامه پسدون اتا خای کتیبی
سالهانه شعیامه سه ملعه داخله ۱۰۰ قران ۵۰۰ قران ۲۰۰ قران وجه اشتر الد : خارجه بعلاوه اجرت پست	مرداراد	به رور علمه په وی ما مان خپایان اسلامیول محل اداره : طهران خپایان اسلامیول	
خارجة بملاوه اجرت بست			قرمت آك شياره ۵ خ
نمایش مركرآن ال	الم ال ال	بکذاردواز آ ارو مسئله مستخدم وملتظر خدمترا حل کند :	کا د داشت بومنیه
که بنا بود شب جمه ۲۲ ماه جاری باشد به شب جمه ۱۶ رابست الفاتی موکول	خرایی ممارف وا ما بندری که مجال	بکی اینکه وجود مستخدم پدر کار بخور س	عترب
Server the set of the second		یکی آنکه مستخدم بجز استخدام راه دیگری	ياد داشت پريروز ما جي وا پلندلند
کتاب	الشريح کرده ايم . مقالات مسلسلي که در	برای زندگی لداشته باشد .	الداخت •
	ذ کر معایب و فوانص تعلیهات درملکت دوشته ایم تشکیل کتابی میدهد که برای	مامور الایق الکرد (شان کار مردم خراب کردن است مامور الایق الکرد (شتن کار مردم خراب کردن است	هم المعنى از مسلخدمين برخورد و هم مده المناتيل من خدمت م
ىسى تىنىڭ بىلەن	وسد ایم تشمېل میدی مېدسه که بردی زمامداران وقت یې قدر و قیمت لېست	موروا دین میموراندی ور عربیم عروب روین معنی ادارات دو لتی که ایرای انکاهداری عجزه	هم بعده أى ازمناظرين خدمت . آيرادى كه مستخدمين ير ما كرفته اند
از عدلمات ارسن لوین	آینك که کابینه مقتدری سر کار آمده	تأسبس نشده الد ا	این است : د شما مرکزئید باید مستخدمین
اولين با ورقن مرد آزاد	برای ملاح مملکت می آوع اقدامی یعنوآهد	می تقامات اداری را باید بکمانی داد که	فی فن دا از ادارات خارج محکره و
مان طور که وعده داده بودیم در کتاب جداکانه طبع شده – علاقـه مندان	یکند از دستش بر مباید ما بی مؤرد	از عهدهانجا موظایف ا د ا دی بر آیند	بهامورین متمول دولت من هست ازکاردولتی
باین رومان شهرین و شاهکار محیر المتول در خرید آن علجه فرمایند.	تمبدانیم رؤس مسائل را در این جا ملذکر	اما اسل دويم - الساف وسياست مردو	بردارند .
بحل فروش ۱- ايمجه حاجب الدوله حجره اقلى أقا محمد مهمدى كتابغروش	دربم •	بان حکم مبکند :	مكر مستخدى كه از فن دندانسازى
۲-دفتر مرد ازد ۲ - خیابان ۷۷ زار روبروی خانه علاء الدوله مفازه میبن	باره ای اسلاحات هست که هم معلم	حالا که دولت مجبور است پنجمی،ماش پرهد بابد اشخهامی وا که بـدون حقوق	با طبابت مثلا سر رشته دارد ،قصر است ۲ داشتن اطلاع فنی ایچه دلیل باعت≥رومبت
قيمت مقطوع بك كومان است	مڪتي۔ م کس دو سال در طالقان کتاب	دولتي هم مي اوانند زندڪي کنند عذر	العلم العارع من البيد ويون بالمعارور المن المن المن المن المن المن المن المن
1• - r	جودي خوالده بائد بمحض ديدن مسدارس	خواست ·	بهمين طور - "دارائن مكر كناه است
	فملی ما آلما را حس مبکند . ما از ابن	به - ابد والها مَت و أ قايسًا ن	مر کجای طلم دیده اید که عدم بساعت را)
اخطاب	قممت عجالله مسرف المر من كنبه و	أنساف ليست شما كه من تواليد با اطلامات	بالمحرط استعدام ديوان يكنند ؟ ، ح
	می پردازیم پسطالب اساسی و مهم که در	فنی خودتان تان در ویارید جای غده ش را	اعتراض منتظرين خدمت را هم باين
مشترکینی که درز نامه آنها مرتب ای رسد و یا دیر موسد فورا نوسط تلفون	کر بہت اولاد ما بہش از حد کسوڑدخیل	بکیرید . شا بزوید مطب خودگان را آلز	فکل خلامه مېشورد کرد :
و یا کیا بدفتر اداره أطلاع دهند	الىد • الم	کنیسد کاکر در طهران طبیب کم آیست ا ادار طالب و ارد	د این پیچاره مردی که شا بانها
	البته ابن نمکته را قابل ترقیسد نمی	ولایات کالیا طببت ندارند – کشریف پرید برد – کرمان – مازندران ۴ پاین ترکیب م	قوج منتظر حدمت لقب داده اید سال ها زحت کشیده اند - خدمت کرده اند • دولت
	دالید که بزر حسب تسوع و کرنمیت تسربیت	مردم سایر ملاد آیران پی طهبب اخواهند. مردم سایر ملاد آیران پی طهبب اخواهند	مكاني استيما الد مع عدمي الروان والا
	دينس مکن است در زندگانی سيد بشرد و	مرد و هم عده ای مشاخل شما را می کراد	از پرېدانۍ خواهند مرد .
مجالة لأجدى ووز تامه ما هنته لى شة شهاره - ووز نفساى چار غنية و	شق وانح فر يكونهم :	ک پیز مدمت اداری کاری از آن هم	ه عُما يَر ايَفَهَا وَا سَرْسَرَى كَرْفَتْهَا بِد
جمه و دو شنیه ــ مللفر خواهد شد . این	المسكر طفلي والم طوب الدربيت	4 Jun 1	بهعتر ازآنجه خيال كرده ايد بإيدازمنتظرين
۲۰۰۲ مید آزاد	کردید – بعنی ^ق وای جسهانی و روحالیو	• شما أ قابان ديگر هم كه مللفتوعلانه	خدمت رقایت بشوه و در م حال لازماست
States and Restances and the second second second	اخلاقېتىرا بر طېق اضول مىج پىرورش	، و دارائی داریدشاهم پهتر است ازمانوریت	حقرق بإنها رسالد · ادارات دولق البخواهيد
برای مماش روزمره خود گرفتاریم حمه میبز قالون گذار بزراد با سدای بلند کفت:	داديد ـــ وقتى يعد بلوغ رسبد و ذاخل	دولت بکذرید ، یک دسته گرسته بشت. اداوه منظر وسرگردان ایستاده اند . گناره	گادرست ویی لیاقت دارد . ایندوطیقهرا که خارج کردید برای ما محل پیدا خواحد
را از نظر دور آریام . 	زادگای شد کامیاب خواهد بود : بوسپله	كميرى شما يلمان رسيدن أ فها است ، انصاف	Charles and the second
(ایکورا <i>ک) مقننن ب</i> مروف اسیارت ولی چون کردیت آلب خطف بوده بکدود . م	هنری که آموخله معینت خود را پخوبی اداره خواهد کرد	مقلضي استكه شما با دارائي خود ثان بازيد	
که ایست و هشت قرن پیش سیسات داخله در آمده و دیگری شکاری وقتی در سدد بر آمد اهمیت گرییت در	اداره عواهد ارد بو اسطه معلومانی که فرا گرفته پیوسته	و أجازه أدهيد ديكران از كرسنكي إميرند .	ما از مترمین شواهی می مکلیم
the second se	بو است ملوعات به در ارتقابیوسته در مقام الگدیل اطلاعات و گمذیه دماغ و	اکر ابن لطف را بنرمائید هم جمی صاحب	المحمد واكمار يكدارند و همچو بيطرقانه
	مراجع المدين المرتان و المديد دماع و المراجع المراجع و المديد دماع و	الملاسشدة اند و هم شا م نواليــد دارائهم	
	اود -بملت ورزش هالی که اموده و حفظ	شخصبتان را بهن اداره کنبد وببشتر ثروت	
محصوصی به کرد ؟ دو سک کرد از که مردو از به او ودیکر دو شیل شهر سکنا دارند ، مدرسه	الدمه ای که مراعات کے رد. همینه	44 IC 44	دولت أيران - تحمة من داليم - به
دو سك كرد را كه مر دو از يسك وديكر در شيال شهر سكنا دارند ، مدرسه	(16 Production Station of the Market of the	، البته اکر در بین شا کے بدا	أسطلاح خودماني تأك است .

عما آن دو المر را مبديديد محمور (مبكنم بِيك تمحو الرببت كرة : بكي وا عبداليمن و است و از م حبث برمللظرين بي بضاعت خااواد ، ای که تاسیس می کند رجیمان دارد - او وا دولت نکاه خواهد دزد بار آورد - دیگری را جد و جابله الها را از یک هدر و مادر حدس میزدید داشت – جون طرف احلياج است ولى و شکاری روزی که هوطنانش در مبدان عومی أعفاء آن همه حمد مر م م ه متحسد -دو اض برادر دیگر که یکی در باریس ما يَقْضَى = قَاوَلْتَ رَّ إِلَيْهُمْ المام غَرَيْب ممها محيت وعشق ببكديكر مربوط خستلد اریبت شده و دیگری در بازارجه حاج سقا - 1 Autor مملکت از وجود او قایده می پرد زیرا که باغي با هم مقايسه كننيد ببينهد اصلا مبشود شهر جع شدة يودند بالاى سكوى خطبايه هم توليد فرزندان لابق و قايل مي آند الها را از يك قوم دالمت ٢ رفت و لطق فصيحى راجـم باهدبت ارببت مسلم است که با رعایت این دو اسل و هم يواسطه هتر في سنعتش أوليد ثروت ابراد کرد . سیس در وسط ،بدان یك خرتوش المحالامة - مثال زباد است • جون باز سر عده تي بي كلاه خواهد ماند عده في كه نه لياقت خاص دارند -مسلمة المفار ما أزبد بقيات مسلمه است وبش اين أين اوع السان وا امرو و سعبد م الد فن مخصوص - اله يضاعت ومحل ادارى هم اذين بمتدمة من يردازيم . و بك ظرف آ بكوشت تدارد و أن دوسك المامند . عكس المرا كه يحجيريد شقى برای آ نها نمیشود دست ویا کرد 🕬 را رها آرد . یکی از انها عقب خرکوش ر شماره بعد داخل اصل موضوع **امت •** با الم المجار المحار المحار المحا اینها دکر دست شکسته اند و وبال دويسد ديكر في يلمر ف كاسه آيستكوشت في شويم الد الم الم الم ال کردن ۰ 😓 -أسل فوق بعنى مربوط يودن وضع كريبت South Le Frank رفت • اگر نمی درسیدیم سنسکسارمان کنند. با طبيعت و جنس آدمي كه اريبت مركند اهالی اسیارت متحیر شدند . از خود .م می نغیم : بابد قدری از حقوق روتمهاء برسيداد المد (ليكورك) از اين اقدام اصلى است كه از ابتراى دنيا متنكرين دائر. بَيالا را كَم كَرد وَ بَاين عَجَز.أدارى ~~~~~ فهميده الد و كفاء الدد - مناها ما از مس جيست • 🕺 ماور 🗧 · • 3|3

از یك همچو که جیسع افراد داخل ادارات و منتظرین بدرون کیلم وا سقوق و شهریه و معیاش الله اول بينهم ابن زا قبول داريد يسا مى كوأبد فقر دولت مربوط بما نبست -يهر فضاحق شدة و از م جهنم درم ني كه پیمود بابد قرش کیکرد و مختارج ما ژا the state of the state of the state اکر قبول دارید پس باید از ما 🕬 از وزرا هم خير _ از خوداً ن إيرسيد نكليف دولت جيت ؟ حِهْ مَدْكَ مُسْلَحْدُمَيْن و منتظرين خدمت همه امروز بنائي إرسند ۱) وقد که در مملکت کار های گاز. تی پیدا شود و از غیر راه استخدام دیوانی بتران يسهولت مماش كرد ا بالها، دولت بابد دو اصلرا بېش

مفحه ۲ مربق المراجع

المراف إز مسافرت جون مستر مبجل رأيس طرق وشوارع یلا بود که پس از مراجعت از باز دیدخطوط غرب به المربابجان پرود و مسافرت معزی البه در غرب طول آشيد لذا از مسافرت به آذربا بعان ماصرف شدند

أخبار وأحلير

مراجعت از سرکشی مديد ـــ بواسطه اختلافي ڪه پيز اقاى معظم الملك و هيئت اظار مركز.شهد دد خصوص اشخاب که برای نظارت بلوکات أطراف از طرف هيئت الطار معين شده إلد حاصل است عجالتا هبتت نظار اطراف حركت للمودة ألد . د. این . شـاهزاده محمد حسین میرزا رقبس

اركان حرب كه از طرف اقاى ابو لعكر شرق برای سرکشی بطرف برجند وسیسلاط رفته يودند مماجعت لمودلد

المحركت به ممكز ال سمنان - اقای صا لسع علی شاہ کتا بادی که این دو زوزه درسمنان بودنه . امروز بطرف مرکز اموده است روز جهه وارد خضرت عبد الغابم خواهد شد مراجع -جشن

المرآب - ما شب فار ملزل اللي سلطان محد خان جشن إود امشب كلكرالعانه لېز جثن میکېرد دوابر هم لدریحاً جثن خراهند گرفت 🛬 😳 ورود حکرمت خوالسار - اقلى هجاع ديوان محكومت جديد خوالمار ديروز ورود

عبربن ولايات معارف كيلان مخيس مخمو س ما از دشت مورخه ٥ عقرب مي اويند: و از معطم های زیاد و نادیه نگردن حقوق مدارس و اداره معارف -المحموم اداره ماليه كبلان شرحى يجند ألد كه خود را الجون خيريه معرقي تردماله نويتله كه يسوحب أمن وزارت مالية يودحه ای که از مرکز فرست د. الد و وزارت

مهارف هم تصويب كرده جالمالجه ألجمن خبريسه موافقت ككند برداخته خاواهد . 42

الجمن طبريه هم رسماً اظهرار داشته ما خودماً ن باید زما م ممارف را در دست بكيريم و الا ب وضع قملي به كس بول امیدهیم و بودجه ای شم که رسید م اصلا ثبحت مطالمه در تمياوريم .

مطوع تبست وزارت ماليه و وزارت معارف در مسئله معار ف کیلان به میکویاد . وزارت معارف مایق نظامنامه ی هېنتي مرکب از نیایندهکان حکمومت و بالبه و مارف و عليا و اجار و الاكين ا اسناف که روی هم رفته هفت نفس مېشود برای الهارت در خرج معارف معین کرد. بهیچوجه انجمن خیریه رسمیت نداد ه

وزارت ماليه از طر ف ديڪر المجمن خبريــه را رسما شلـــــــ مقصود و مطلوب آلها را بموقع اخرا كذاشته وجو ن اين تظرية با عقيده وزارت معارف مخالفت دانته کشمکش شدیدی در جریان است که تقيحه اين من بب مدرسة كا با مناران خو ن جکر الماسیس هد ، رو بالحلا ل 2 (ود 22 اعضاء معارف كبلان كه سايقاقرب الممبق داشتند وحقوقتان منظها مىر-بد اخرا از مظولة كرين مستخدمين دولت اند جنالجه علاج فوری نشود و وزارت مالبه از غر شبطا ف بالين ابسايد و مستد ارأن امربكالى تفهنمد كدر ايران جكولة بأيد كار کرد این اؤسسات دوجود هم دستخو ش هوا و هوس چند نفر شده و بکلی محو و لا پرد خواهد شد .

احارجارهم للكرافات روار در اطراف جهوریت علمالی اسلامیول _ اول او امیر _ جرایددر وضوع اعلاميه جهورى خيسل با احتيساط چېز مينويسند -- وکا الدازه از سرعتکنېير بأس مدروطيت اظهار كعجب مى كاندوآن ه در آن متفاند ابن است که جمهوریت ا اصول اسلامی مقابرتی تدارد - دستجات

منالف اظهار مبدارند كه فنط تبديل اسم بدون تقبير اشخاص تاثيري در طرفداري ملكن لدارد المايل أودجة المان

ي مرد آزاد -

بران - دولت مصوم است که برای التلبل بودسمه ٢٠ درسد أعضاء دوابردواق وا از خدمت معاف امايد -

استبضاح از باوير ورأن وزارت داخله المان للكرافي به رثيس الوزراء باوير عنايره كرده وخواهش المودد كه هي به زودار اوضاحي راجع به نجه;زات اشخاص غبر اظامی کدوسر حداث شمالی باویر صورت بکیرد بدهند - درضن اظهار شده است که اجهازات من اوراسیاب اشویش خاطر دواناین پروس و آوراژ شده مساءرت دولت مرکزی وا لقاضا کرده

المق للويد جرع عمارت ابرا در لبوبرك بالبت لمق الويد جرع مملو أز جميت شده بود بطورىة مزاران انه موفق بدخول تشداد ، قسمت از نطق مقار البه كه داجع إروبا بلور خلاسه چنین پرد : -معاهده و رُسَّابِل ايدا مَنوَّل ارضاع طغره اروبا ابمت و من قرار دادی که در دلیا منطد م شود حسن لتبجه آن منوط بطرز اجراهو طريقة يمورد اسلسال كذادتن آن م بهشنهاد باوير بالمان در بران از مقامات مهبوطه جدین إطلاع حاصل شده است که حکومت باویر مراسله به صدر إعظم المان اوشته و درطي آن خواهش کرده است که در مملکت المان المول ديكمالورى إرطبق المول ممموله ار باویر پدوقع اجرا کدارد - و درخانه اظهدار داشته است که هم که دولت السان دیکتا نوری مزبور و بقمول آدارد دولت باوبر ارحب المحمدي كه ترفته أستقواى . مجتمع شد. در سرحد را به بران خواهد . بودجه راجع به اقاضای اعتباری کازطرف فرستاد •

ياد داخت فرالسه به الكالمان یاوری که کسور میرود یوانکاره در یاد داشت خود که پسهیر انکلیس در باریس اده استجدیق در کجدید مملیاتمتخصین كه براى تعيين ميزان استعداد المان بهدنهاد شده الد اموده إست

ب بی سیم باریس راانی _ حرید. (تان) اشمار می ارد که دولت موقعی جهوری (وال) اختياراتي را كه به (دوران) و (ماتس) داده بود لجديد كرده است قشون جهوری (دنان) در احت ریاست (دورنن) در (بلاان) وارد شده است و پس از اعلام استقلال، داخل به علکت (بلانین) داخل جمهوری (ران) كرديدة - (هينس) به رياست اتحاديـه دهاقین (بالالن) و (هنس) به سمت کمیس عمومی جهوری (رانان) در منطقه (بالالن) كمبين شده إند بوتان ـ تلکراف واسه از (هاواس) و در إب تهضت الحير ضد انقلايبون مختصرا اشمار مبدارد كه دستجات جديدى به حزب جهورى مليعق شده الد - محصوصا درقشون مایین نه نفر از رؤسای آنها وا رال (باد کالوس) و آبدال (حاج کی ریاکوس) لقادا ، بدمايند كم قبل از التخابات آل-به ستى الممتماعي وأجع بدرويم آيلدسياس بوناق الغاذ شوه - فول بونان الغور مينمايد كه نعيين رؤيم آلبه يونان وجلب افکار مومی در مجلس ملی آلبه بابستی ا فسوبه كردد . عناصر اعتدالهون طرفدار أن (و از بلوس)

مساعدت خودشان را مسبت مدولت إبراز مينما يند . تارو دافر يوثان با اعضاى سفارتحانه آكن) را ترككنله و يسبت انفرمحركت كردة الد -باریس _ میرو (بوالکاره) درکمیون

وزبر جنك براى قشون مراكش شده إودو

۱۲ آلرا برای ماری آنلوانات برد و آن را هم ملکه مزيور ميان جلد كتابجه جبي خود پنهان كرده **است** التا - المراجع الم

يس وإد فهميد آن كاعد كربة جه شده است ؟ آیا همان بوده است که بوارله در دست داشت و لوین آترا بتوسط منشى عكمه بدر و كرفته ؟ با الكه هنوز م در کتابچه جبی ماری انتواات باقی است و آلوقت حل مسئله باین ملجر مېشود که کتاب

چه مزاور چه شده است ۲ باری بوارله بعد از الکه فحکر زیاری اموده به تلبجه ترسيد از جلوى طافعه إطاق و مقابل ألبنه

رد شده بر کفت دید پدر میز این خو د که رئیس بوز. و کتاب خانه مهمی می باشد در مقابلش ایستساده فورا فکری برای او آمد که از او سؤال کند کتاب جه حببی ماری التوالت جه شده آست ۲

ملکه به خدمت کار شخصی خود که خپلی دوستداشت داده و او زا هم مامور کرده است که آنرا بذلت فرسن بده، كما يجه را خانواد ، كلت مشار اليه با احترام در مبان خود حنظ می کنند و پنج شــال است که در حميه أثبنه .وزه كار نا واله مي باشد إواراه با العجب كفت : - بهدين ساده كي و آسانی در موزه کار الما واله کتابچه ماری ااوالت را مهدود يافت. مَعْت : - إله در ظرف إنج دنبقه أ قرآ إشها لشان s دهم ·

ایزیدر بارفیق خود از خاله حرکت کردمیست خاله مادام دوسومينية اويسندة معروفه عازم شدالد در ضمنى كه أزدرشكم بياده مى شدند مه نفر بانها، سلام كرده بدر میز بان او آن کتا بچه منهاور را ظاهراً و آنهام به بوترله کفتند که ملوم می شود شما آذین

رسنك بابين مورَّه امدَّه آيد و يكي از آيشان هم بالحن المسجر آمیزی کفت : - عجب در ایلست که مالهام أبن خبال افتاديم مهبو يونرله بيا أرسن لوين مبان ما قياهد المعالم المحالية المستحد

بوارله التفاعي بابن حرفها نكرده با زفيق خود وارد موزة شد رئيس موز. آنها را در اطاق كتاب و آثار خلی قدیم برد و در جلوی جبه آنینه ای که دو آن کساجه ماری آللو آن سالهما بود كذاشته شد. برد استاد

یك كمی اضطراب و شعف بوارله را أز اسكام انهن كتابحة دست داد . . . وياد آلروزي افتادة كالمك ا چشهان اشاف آلود باین آتابچه نکامی کرد. ودر دم وإيسين أنتخارات و اسرار جندين قرن بإدشاءأدفرالسه را به خدماکار مهربان خود داده است . . . مدين موزه ديد يولرا خطت متأثر احت كفت: المخوان . . .

بالنم ير ٢٠٢٠ مليون فرالك يوده دفاع زيادى بسل آورده است رئيس الوزراء بالخفيف در ملبون فرائك الرأ لمؤبب لمودم أبت . • ٧٧٠ نَفْر أَزْ قَدُونَ مَهَاكُش كُمْ خُوَاهُنَهُ

قدوتی که در شایات هستند در سنه اليه بالغ بر ٢٠٠٠ ٦٥ أنر خواهد شد . سجاز _ حادثه ای که راجع بسمال محل مصر إمكه واقع شده يود هاوز السفيه المده البت * طَرْوْ وَقَلَّارَ السَّطَّانَ حَسِينَ ذُو ابن مسئله و آجحافای که پروار در ظرف هذه السله شده و موجب شكابت أنها كشته يود باعث شده أنت كه علمام الأزهر جرايد مصر الصميم كرفته الدير إيان که در طواست کنند در اوابل سنه اکبه یك مجمع عمومی اسلامی برای تسویه مسئله امكانه قدسة لعكبل شود ازقرآر معلوم امكة مقدسه راميخوأهنددرتلحت نظارت عاليه سلطان حجاز قرار پدهند ولی پترتبی که بكتاخه بی طرف باند و پرسبه هیند از نمایندگان کلبه ملل إسلامي أدارة عود

<u>مایك اقایان</u>

مهندس در علم شیمبالی و معادل فارغ التحسيل از دار الفنون ز لو (سویس) خانبر است تحقیقات قلی در مسائل راجعه بلجزيسه و استخراج معادق تاميسكارخانجات ونهبه مواد يرامي هركونه منابع بدهد آ درس : روپروی وزارتجنك منزل آ قای دکتر اقایان 1. - 8 Inc. 124 . 19

لرس روسی وكبريد از شخص روسي اژادي كه ارشی وا خوب میداند و روشی واپرودی یا وزد - خیابان مولوی رو بروی طوبه شاهزاده يمين السلطنه خانه خانم يزوك مديو كايتك المرة إعلاق ٥٠٥ ٢٠٠

من خود کتابچه را املیش می کنم الموارلة الماء من كرد ديد جلد جرم، كهنه باوشع صحافي المام هذين أن است كه ساحب كتاب درروز المه خود ديروز لقل كرده بود ولى در ضمن فكر مَى كرد ابنافسانه إست يا آلكه الان خطَّ لوڤى ١٦ را ، در ایام عجیس بروی قطعه کاغذی آوشانه می ببند و خاطر جم م شود در سنخه اول ابدا جای عنی نبود پس پیش خود زمن، کرد: ۔ هیچ و بل مرابة المام مداما كفلا . مي

ولى فر مفحه آخر مايين جلد وجرم يكتجبزى افت مبشد ایس با بك حالت فتح و ظفرى كمنت : _ یاـه اللجاست . . . دست محکرد با دو انکمنت کاغذ ال خورد.ای

را برون آورد . . . همه صداها مر اطراف اوگفتند:

17. مار. ١٦

Y Lis

عقايد ديكوان

ولی تهایت خرافات پرستند . درای کمتن دشمن دهانی آست که میکریند در مدت جهل

و يك روز بابد خوالده شود _ در صورهي كه حق با السان بأشد بعد از القضاء

این مدت دشمنش مهمبرد . یک راه دیگر برای عو کردن دشهن این است که تصویر

او را بطور تقريب بكند - جهل ورز آنرا بزند - روز جها-م سر آن را قط-م

وسیله دیگر برای از میان پردن دشمن از ابن قرار است :

مقداری وبه کوسفند میکیرند - بقیرستان کهنه ای مبیرند -

* پدیواری که بسمت مقرب اکنا، میکند میخ کوب میکنند .

روز اول اقدامات بابن کار بابد حتما یك جهار شابه باشد .

در مدت چهل زوز - هُن روز بلک سنجاق بان جربی فحرو می کنند

بهار از اشخاص را اسم محارد که وقق شنبدماند برضد الها جادوشده

وقتى كه مقصود كثتن دشمن تباشد وفقط بخواهبه اورا از الخار ببندازيد

لمن الاغ مردمای را بدا کنبد ... بکی از استخوانهای بهلوی جش ر

معرفي لجار

الجارلخانه كتابغروش مديم (دويلين)

كوسط سفارت أيرأن ازوز ارتخارجه نقاضا

وده است که صورت اسامی کمبار میروف

اب قروشهای ایران رابرای ان اداره

از وزارت خارجه مرائب فوق به

وزارت فوائد عامه آقابان آقا ميرزا

ارسال دارند 🔆 🔅 👘 😓

وزارت فوائد مأمة و كجارت توشتهدده

حيد الرحيم كاهسالى والحاجي ايرزا علمي

أصفر كتابفروش أرابه أجارت غانة فوق

كمحبون سوابق اغضاء

داخله برای رسیده کی به دوسیه سوایت

اعضاء ٩٩ و عمليا ت ألها تشمك بل

روز کذنته کمبسیدولی در وزارت

معرفى لموده است المخ المرابي

در پیاورید - بددید بکویلد و با غذای دشمن خودان مخلوط محتبد و باو بخورانید

اكر اشتياه كنيد دنده واست الاغ وإ بكار يريد نتبجه معكوس خواهد شد و دشهن شما

از کتاب هادت و حاحلاق ایرانی کالبف سر (برسی سایکس)

پردریج که آن فاسد میشود و دشمن از مبان میرود .

أز ارس دليا را بدرود كفته اند .

قرق المادة عبوب ودر انغار بلند مبشود .

احارشهري

آقان وزراء

در وزار شالهای خود مشغرل مراجع

بامورات جاری پودند بعد ازظهر آقایان

رزراء يدوبار آمده وجلمه خصوصى كشكيل

مواكب همايونى

حيايوتي بأقلى رئيس الوزراء ووز جهاردهم

ارج جاری وارد قصر دمه از آنجا بدون

لوقف دوماعت وليم بتروب بعارف سرحد

مراجعت أقاى وثيس الوزراء

یں از ورود اعلینصرت حمایونی بسر محد

اقاى وثبس الوزراء مماجهت فرموده وقبل

أزظهر روز كذشته از كرند مبور أموده

الملاع واسه از قصر خای است که

عزيمت فرمودند

ازذرار أطلاع واسله از قصر أعليحضرت

كرديد وقربب سه ساعت امتداد داشت

روز كذشته قبل از ظهر آقايان وزراء

ابن طور بايد حمل كنيد :

این مسئله را همه باسانی باور من کنند که ایرانیان به جا دو عقبده داراد

المرد آزاد .

يرداخت روز كددته حقوق برج مبزان أعضاء اجزای وزارت داخله از طرف وزار ت

حقوق برج مهزان اعضا ء و اجزای وزارت خارجه إنبز روز كذشته برداخله A Contraction of the

عين احكام لازم إست ازطرف أقاى وزير معارف بكابهاعضاء وزارت خانه ام شد عين احكام خود را نا مدح شنيه ١٨ عقرب يدايرة بركل يدهند که خودشان شخصا مماینه کرده در اجرای قانون إلمعخدا م بسا يصيرت كامسل أقسدام

رايورت هنتكي بذهبد از جانب مقسام وزارت بكليسه دوأير وزارت مارف ابلاغ مددكه من روز ينجدنيه عَمَر رَايَرتْ حَمَّايا في حُكَمْ در ظرف حُلقه أموده الد يوسيله إداره الفتيش براى ملاحظته شخص وزبر اسال دارند . المنتظر درس حديد باشيد آقای دکہتر ولی اللہ خان از طرف وزارت مسارف ومملمي كرابوتيك كابنبك مدرسه طب منصوب و مقرر شد در ارقائی كه مناقات با كار ادارى ابشان تداشعه بأعد وظيفه لدريس خودرا انجام دهند . الم عشر اوقاف رأ ماليه مبكيرد حيون يودجه إدارات أوقاف جزو يودجه مصرب وزارت ممارف و اوتاف ماغاور لدهم ازطرف ذيكر عايدات ارقاف يمبلغ جهل ودوهنار كومان درسال درقانون يودجه بملكعي بيش يبلى شد. لذا قرار بر ابن شده است عوايد اوقاف را مامورين ماليه دريات کنند و إعضاء ادارات اوقاف اهم درصورت لزومخودوزارت مآلبه حقوق يدهد درولايات

محصلين أيراني در ألمان ازبرلن كتب اطلاع مبدمند . هيتت برسق محطين أبرأني تقريبا ششسال إست المكيل كنته و در بدو ناجين رياست آن با اقای اقلی زاده بوده و خون در از وقد محماین زياد تيودادهبأت جندانكار ندأشتو يخوبهم

در للاطىكه ادارة معارف هست اوقاف هم نميمه

لايل رابس مارف خواعد شد

مبتوالست از عهده ابغاء و ظيفه كود راید و اوضاع بهمین ملوال میگذشت کاجتک بين المللي خاتمه بافت و طرق آباب ومتعاب مغلوح كشتة وحيرن مبزان معيشت درإلمان مالیه آرداخته در به م

لازل بد اكرة، بودمحصلين أيرالي بعبالب أن ملکت زهمیار گردیده و بهوسته به تعدود نها افزوده کردید و البته بهمان تناسب پرکار و زحمات هیئت سر پرسٹی افزودہ شد الاينكا لرابب اداره كردن محصلين سخت كشت . در اين أثناء مم أقاى كن زاده از طرف دولت عليه مآبور منحكو كرديد و بمقر مابوریت خویش رهمدار کهاند . سفارت درات عليه جون أوضاع را ودان طريق مشاهده المود در صدد بهمودى ان بر امده و برای تبل بدین مقصود جلسات متعددی در سفارت شکیل داده و در انتبحه یک هیأت رسمی قانونی کے بس كرده و أسم آثرا رسما در دقار مدليه ثبت امود اعضاء هيئت نيز عيارت هستند از يرفسر (قبت ايج) معلم زبان عربي در دارلملوم بران و پرفس (بار) رئيس شعبه شرق موزه بران و (مز دوالتر) تحویل دار کمپانی فرش فروش أبران و المان الحويلدار هبنت و دكتر) اهايل)وكيل محكمه منشى هبأت • اقايان الى زاده و هدابت هم از طرف مدارت بعضوبت آن منصوب و سفارت بملاو. حق افابش الطارت در کابه امرز آن دارد در ایلداه کاسیس هیلت سر پرسی كه عدة محملين بالنم بر ده المر يود أدارة اردن امور انها جانی بسل مبامد ولی بس از ازید کمداد الها دیکس عکن تمیشد ر ابن هیئت محال اداره شود این است که مقرر مکردید از وجومی كه يراى عارج شاكردان أرسال ميسدارلد مبلغ مخصرى يدوأن مخارج دقتر وحقالزحه منشی و مانین تویس پرداشته هود و میلغ مَنْ يُور قُسريب به همت در صد سالياله

و اخرا يك سؤال نامه تركب داده شد، ات که بروجب آناز وضعیات کارو الحصيل أفراد شاكردان ميذران يطلع شد و بزودی آن ایز ارسال خواهد کردید حَبُونَ دُكْبَرَ (هَايِلُ) مَنْشَى آن هَيْتَ كَالُ مواظبت و مراقبت را نسبت بشاكردان مرمى] اند -

بدارد لهذا متلضى است از طرف دولت ایران بهر الحوی که صلاح است اشویقاز مثار اليه إحمل ابد المحالية

راجع بامور شاكردان از قيبل خاله ببدأ كردن در ظميلهای ضحنع ومذا كرات مدارس مختلفه و ادارات رسم المان در واقع لأزمه هبت مذكور تهايت سي عمل ابجا آورد، و جون هبلت نهایت سی را دارد که در مخارج محصلین صرفه جوئی دود ا شاکردان عمر خود را به بطالت للذرالند شاکردان شکابق لموده سفارت دولت ابران مم در جلسه ١٤ أوت ١٩٢٣ در أقضوس نحقيقاتى يعمل أورد معلوم كرديد كه شكايات زبور بي اصل بوده و جون بيم ان ميروم که اوایاء اطفال درایران پراپورکهای جملی اطفال أهميت داده و مظطرب شواد لهذا برای مزید اطلاع اولیاء اطفال و اینکه به شكابات في اساس ألها وفي الكذاراد مرالب اظمار كثت 📜

جلو آبری از اشرار بلوج از وزارت خارجه بوزارت داخهلوشلةشد برای جلو کدی از اشراد بلوج در مرحد ابرانيه سفارت روس شرحي لوعله هد. که برای دفع آنها اقدامات فوری بسل اورده و اطلاع دهند فكابت اجزاء بلدبة المكارية ووز كذشته عده أز مستخدمين بلدية بطور اجتماع درب بلديه جمع شده راجم

ا جند فدرم شکایات لحود از قببل منو ق ماندن جهار پرج حقوق و صدر شش وضد حقت حقوق شرعى اظهار داشله و جون منبد واقم نشده بود ممسكي بطرف وزارت ماليه وفتند

لحويل فابدات بموجب قرار دادی که وزارت مالیه

يديه تموده استكابه فايدات بلديسه را برزارت مالية كحويتل داده رسيد ترافت

مراجه به أمورات سوقه

آتاى خاج مزالسا لك وزير فوالدمامه المجارت بس از ورود بمركز بوزار ت انه مربوطه تشريف برده و آبن دو روز مدير ل مراجعه بابورات مصوقه بود .

> سنكاسرار از حمليات أرسن لوين تأليف : موريس ليلاق ارجمه : عد على - ظنائبان فصل هفتم

عهد نامه سنك اسرار ساعت جهسار تسبيح أست ابزيدر هنوز بمدرسة ارفته زبرا ابن جوان با خود عهد كرده است تا كاملا ير لوين تنوق آبايد دليال تحسيل ترود و أين خهد را در آن ونتی کم الدرده و محزون رفتایش از طلار مدرسة دردوشك تهاده ميبردان يبش خود أموده اما جه قسمی ابن حتك كه يك مراجه در نظر همه خاتمه وبدا كرد فجديد أن ديكر محسال إ الخار

S 1 3. 1 0 حد می تواند بو نرله بکند بك بحه انها بسدون معاون و همراه بدون وسابل میارزه با جناین دشمن قوى الله أرسن لوين ا حكم المحكمة الم از کجا نویچه وسبله ۲ گجای اورا مجروح لماید؛ لوين شكمت نابذير است النبها العکاري بود که جوان محصل در راه آزد

حاود الى المود المراجع باری ساعت بچهار شدیع است ایزیدر شب و ادر منزل یکی از همکلاس های مدرسه خود بسر پردماست الان در جلوی بخاری اطاق ایستاده صورت خودرا در 1: Su . Ki 4: 17

حالا يوثرله ديكر مثل ديروز كريه تمن كرد و أبدا مايل بكريهكردن هم تيست زيرا حالت يأس براى أو دست المي داد يلكه او مابل بنكر كردن ودقت در مسئله نمودن بود يطورىكم چممهايش از نسويرجشهايش بمارمو آزل ريمند باسوزان تيست زبراكه إصل ابن كاغذ بودة است مألده كه سأحب منصب مامور حيس لوثه

كه در أ أبنه همتند ابدا جدا لهمي شده مثل ابنصحه م خواهد باین وسیله قوه خیصالیه خود را در برایر نا إد بارى الساعت شش ایز بدر بهمین حال با تی ما ند و کم کم با معلومات ا جلور ۲ محمد شخصى خود بدون إنكه غيراز مطومات قرق الذكر جزر دیگری را بداند در اثر بك دهاه خارق الماده د. بيني سر سلطنتي سنك إسراد ٢٠٠٠

اصل.سائله را مبهم وتاريك ،ي:مود كنار بداشت اصل مطلب پیش آمد او اواضح شد 🖓 🔆 از ورقه كاغذ بافت شده درصارت كنت ژسورس أمود غلط بوده تلمه اكوأسى مربوط بقلمه اى كه در ولايت كروز سأخته شده نبست وكلمه مادمو آزل اين هم اشاره

از قرنهای بیش مانده وابدا باوضاعجاریه این دو سه ماهه وبطى تدارد

یس باید کاررا از اولجدید کرد . یك دلبل اصلى و سند مهم برای این ورقه كاغذ خپلے

لازم ومغبد است وآن كتمايي است كه درزمان لوأى المسر مهمي كه لوين را وارث بإدشاهان فرانسه كرده يود 🕴 🚺 بطبع رشيده خوب صاحبهنصب آهن يوش جنانكم در مقاله روز نامه مينويسلد سد جلد از آن كتاب جاب جطور ؟ بمداز آنکه أیام فرعبات مختلفی که کرده که دو جلد آنها فقط از طعمه آنش نجات یالتاند بتی ازان دوجلد وا رئیس کارد سلطنی دردید. ویعدها معدوم شد یکی دیگر لولی ۱۶ فکاه داشته ویعد آذرا · بله اشتیاء کرده بود، است · · · و تمبیری که به لوثی ۱۵ داده نا بلاخره لوثی ۱۲ در مجلس آذرا ابز سوزالد •

الما يك كبيه إز منحه الحسر الذ كتباب که مهمترین سفحات ان بوده و حل مسئله را متضمن

and a set of the second and the second a

instant & Init

بلو کردی بلا تا ا الحانه من

्युः

تر المراج ال محمد المراج ال

Gi (193

1.5

5

المرافز المراجعوا الحديثة شاكردان كلاس ششم در حل مسائل فكرى حسباب و المندسه لابق الحد تصديقي نامة دولق تولد - قسمت دوم ازكتماب أمول المربس حساب و حل مسئله فکری را که از االیفات اقلی صدیق أعلم و شامل XLine Lo

حل عد ما دليسل إست بدست الهما بدهبد و وادا ر شكنهد با دقت باد

مرد ۲ زاد 👘 👘

در الحباب المحربة به كتاب خانه سعادت رجوم. كابد المدر. اعلان ۲۰۰۲ المحافظ الم

بىشارىت بە اقاى دكتى علا مىخسىن

خان شمس با لوجهات وزارت خلبانه مدارف و جديت مخصوص اداره كل صحبه جهبار أوَوَ أَسْتَ كُمُ آقَايَانِ دَكْتُرُ لَعْيَانِ الملك يُراى جَراحَي وَ دَكَتَرَ أَعَلَمُ الْمَلْكَ بِسُراى طبابَت بهريض خانه مياركه دولتي ممرقي و حضور بهمرسانيده الد عمولم هموطنسان أيخصوص طبقه اطبساء ازابن اقدام أظلمارتشكس م أبابند

ا**علان** ا

حون همه روزه اشغساس برای ثبت مساملات مربوطه با مسلاك با ماره، ثبت استاد مهاجمه من ليايند أو أراسته عدم لوجه كامل بمقررات قالون جديد مم طواهند يدون كأمل استاد آلمها ثيت شود لذا إداره ثبت استاد و املاك باطلاع هموم مي رساند که مطابق قانون مجدید موضوع نیت دو قسمت است اول - ثبت املاك حكة بابد با أجراى مقررات قالون تجديد بعدل أبد و نقل و الثقـالات راجة بهين يا منـافع املاك وقتى ممان آست ثبت شود كم قبلا اسل مالك إنسام فروشنده و معامل كار دفتر أملاك ثبت شده باشد بنسا بر ابن سانهصكه مايا–اد در موقع بيش أمدن معامله مربوط باملاك خوه بههجوجه معطل نداشته باشند و از حقوق مالکیت خود کاملا بهره مند و در آ گسبه از تعرض مدَّيبان بكلي "معفوظ بهاته" مي بابست قبلا براي ثبت ملك بنسام خود اقدام لمايند ما دولت لقط آ لها ارا ما لك ارسى شاخله و هم لدى الجاجه معاملات آنها فورا است مسكردد دوم - ثبت اسلاد است که در قسمت مساءلات منفوله و مضرفه وامور المجاري و محنزاتها و قرار داد ها و غركت نامها و اعدياز المها و فرامين و الفاب و تشان ها و غيره بدون كامل ثيث خواهد هد و بس از ثيت مناد آن يدون احتباج بمحاكمة لازم الاجراست رئيس كل ثبت إستاد و إملاك شرف الك

اكر مابابه الواع واقسام عطر هامه يسبأر على نازه وارد المتعمال فرمانيد بمنازه مبين خيابان لاله زار زو إروى منزل علاء الدوله رجوع تمائيد

List a minina ad w

همه لمره كاغذ مات و براق و شيشة مال كار خانة (لومير ژوكلا) حديدا قوا خاله عنده فروش اور وارد المود كارت إسال البزماللومير موجود است 🐇 المرد العلان ۲۸۸ 🛸 ه "--- ۵

OVOMALTINE

الآلى محترم شيا والحبل قوى وسالم

مَن بِهام آيا از طَنُوابَتْ بَهْمَانَ حَالَ بَوْدَيْدَ ؟

آ. الحديد شعبف أر از شيما بودم إس مه

شد که ضعف و کسالت شها پرطرف کردید ا

وله من مدنها ميتلا إسوء هضم بودم و ميل

بفذا هبيج اداشتم وفوق العادة يبوست مرآ

اذبت مبكرد تا اينك بكى أزاطباء اروبلى

مرا باسلمهال اومالتين هدايت كرد طولى المشدد

بکمی کسالیم رفع حالم خوب و برای مزاجم

حال موست هزيزم فوري إذوا خاله

باستور رفقه بك جعبه أومالتين كرفته شروع

باستعمال آن لمانيد تا يكلى كساكت قمأ

المرة أعلان (28

رديم چانى و قر به شويد -

ومربن لقمة المباع است ٢

ی عالم محترم 🗕 جرا شما این قدر ضعيف و ژرد ولاغي شد، ايد ۲ جلديست که بِسَ از وَضَعَ حَمل بِحَالَ خُودَ لَبِامده خُولُم کم شده بستانهسایم شیز قدارد بکلی از کار خانه باز ماآدم پراسطه بی قوای امی اوالم حركت آنم قليم زياد ميزند هوا هاى زياد أسلممال آموده أبهيجوجه مؤاره واقسم لللد. آه خواه هزيزم بندة از دما يدل يودم دكتر أجوبز كرد أوما الدين استعمال لمايم حال جنديست مشقول اومانين خوردن هلم زردی صورام کردیل اسرینی شده اشتهما خوب مزاجز سالم يحدداه سفيد كه ملاحظه من فرمائيد كار ضمن اطغال خوه رااومالتين تتبدهم كه براي استخوان بندى آنهبا خبل لازم إست اليله خواهم عزيزم بفوريت شروح يطوردن اومالين تعاليد كا همیشه خود را سالم دیام و زلجور ایاشید . . .

حا ثرك ترياك

دېگر هېچ لرونې ادارد که ما از حب های خود کريف کنيم رجو خوالس هم سیکنیم خب های ما صدق خرف های مارزا بن مرکزد در این خا فقط ما خفوهیم له یك عدد از لوع پشر و از این مهض مزمن و موزی اجات داد . آن ها را از خمودكى دائمي خلاس كنم جنان جه معتادين مايل بترك باشند بدوا لحانه فيتمور وجبرع . فرمایند و بسد از کراد آن ما را از اشگران خود خصود فرمایند •Y - X امره اعلان ۲۸۲

مالال

پاروغنزېتون گازه شنخېج خوردن دارد

روعن زيلون نازه ماه بياه يراى دوا خانه "باستور وارد مهشود و با عليار دوا خاله بفروش مبرسد الله دفعه تجربه المتناسمايي خواهد كرد كه با دوغن زيفون الجو صحيح دواخاله ياستور سالاد أن حة لذلي طواهد داد المرد العلان ٢٨٢ OV - A

بورس - طهران خوید فروش ایجرس - بادس بورس - بادس اندن مکتوبی ۵۰-۲۹ که ایدن ۱۰۰۰۰ ۲۰۰۰ اندن مکتوبی ۵۰-۲۹ که ایزبلد ۱۰۰۰۰ بادس ۲۰۰۰ ۱۰۰۰ ایطالبا ۲۰۰۰ بوری کی مطبعکا صار قرن بورس - بادس بورس - باد بورس - بورس - باد بورس - باد بورس - باد بورس - باد بورس - باد	فیمیدار ۲۹۷ ۲۹۷ فیمیدار در ۲۹۷ میمدین دیگ میمدیگ دان نصور ال شمای کابل با استعمال حب حای البرت نجارب متعددی کسه در این اواخن در روی خواس قبر بولوژیکی شینباری اسانس سانطال خاص بواسطه دروفسر ها و دانشمندان فرانسه شده تایت میشود گسه اسانس سانطال خاص بواسطه دروفسر ها و دانشمندان فرانسه شده تایت میشود گسه اسانس سانطال خاص بواسطه در معالجه امراض عماری ادرار اخصوص این کیستول مای مرحک با اسانس سالطال خالص وسابل و فود مین و بلو دو مقبل کسه با دقت میروف امروز است حکه در معالجه سوزاله خدمت این کیمیلان اموده و در اندك مدروف امروز است حکه در معالجه سوزاله خدمت این کیمیلان اموده و در اندك مدروف امروز است حکه در معالجه سوزاله خدمت این کیمیلان اموده و در اندك مدروف امروز است حکه در معالجه موزاله خدمت این کیمیلان اموده و در اندك مدروف امروز است حکه در معالجه موزاله خدمت این کیمیلان اموده و در اندك مدرود از از رئیم خوزاله بدون عواز می در حکری اسوده و در اندك امره اعلان ۲۸۷	میزا احمد خان منبع کی ا قلبول می میزا احمد خان منبع (وین مالع) دیات از سر این مادی حترفی و خیالی و اجارتی دما را در ماع مدایه عالت دهدی حیالی و اجارتی دما را در ماع مدایه ایر به و کابه ادارات در این خیروین کردیه طبیبایی ارامته ندر (ا ادری : درواز، قروین کردیه طبیبایی ارامته ندر (ا در نو ایر ۱۸۲ میلی میلی میلی ا در ایر ایر ۱۸۲ میلی میلی میلی ا
طني دوغاز وصنعتي و ده و ف مائيد	د شمه ان نشو دآد در ای خو دا، بار حهای و	اكر میذو الهمال

1